

دانش و پژوهش در علوم تربیتی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)  
شماره نهم - بهار ۱۳۸۵  
صص ۹۹ - ۱۱۹

## مشکلات فرا روی ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم و راهکارهای آن

محمد حسن طالبیان<sup>۱</sup> - محمد علی تصدیقی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه فرایند توسعه و جهانی شدن و فناوری اطلاعات، جوامع مختلف را احاطه کرده است. نظام‌های آموزشی به‌عنوان پیشاهنگام توسعه باید قادر به پاسخگویی به نیازهای زمان در هزاره سوم باشند و خود را با شرایط دگرگون‌شونده بین‌المللی سازگار کنند.

نظام آموزشی ایران در راه رسیدن به این اهداف با مشکلات فراوانی روبه‌رو است که تغییر و تحول در ساختار، برنامه‌ها، اهداف و روشها را به‌عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به یاری می‌طلبد. نظام آموزشی کشور ما برای اینکه بتواند در هزاره سوم به نیازهای زمان و فناوری اطلاعات پاسخ دهد، ناچار می‌باید قادر به سازگاری با شرایط دگرگون‌شونده داخلی و بین‌المللی باشد. متأسفانه نظام آموزشی ما نتوانسته است افرادی تربیت کند که

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

۲- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

در موقعیت‌های گوناگون بتوانند از طریق ابداع و نوآوری به تولید علم و فناوری مبادرت ورزند.

برخی از مهمترین مشکلات فرا روی ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم عبارت‌اند از: تمرکزگرایی، دیوانسالاری<sup>۱</sup>، بی‌ثباتی مدیریت، بی‌توجهی به کیفیت و آموزش نیروی انسانی. برای رفع این مشکلات، تغییر و تحول بنیادی در نظام آموزشی ضروری است. این تغییر و تحول نیازمند مؤلفه‌ها و راهکارهایی از جمله؛ روی آوردن به مدیریت مشارکتی و مدرسه محوری، اعمال مدیریت غیرمتمرکز، مدیریت کیفیت، توجه به ثبات مدیریت در انتصاب مدیران، کاهش دیوانسالاری حاکم بر آموزش و پرورش و توجه جدی به آموزش نیروی انسانی است.

توجه به این راهکارها ما را یاری می‌کند که با سهولت و سرعت بیشتری نظام آموزشی کشورمان را با فرایند توسعه دانش و جهانی شدن و فناوری اطلاعات در هزاره سوم همگام کنیم. بی‌توجهی به تحولات جهانی در زمینه فناوری‌های آموزشی به معنای قطع ارتباط با نظام بین‌المللی است که سرانجام منجر به حاشیه‌نشینی ما خواهد شد و ضررهای جبران‌ناپذیری برای جامعه و نظام آموزشی در بر خواهد داشت.

به‌منظور توسعه دانش و فناوری آموزشی، پیشنهاد می‌شود که ساختار، تشکیلات و روشهای نظام آموزشی کشور متحول شود و به نوآوری و ابتکار معلمان و دانش‌آموزان بها داده شود و آموزش تخصصی مبتنی بر فناوریهای جدید برای دانش‌آموزان، معلمان و کارکنان به‌طور مستمر برنامه‌ریزی و اجرا شود، بدان امید که نظام آموزشی کشور ما بتواند هر چه زودتر ساختار تعلیم و تربیت خود را با توسعه دانش و فناوریهای جدید اطلاعات و ارتباطات در دنیا هماهنگ کند و همگام با پیشرفتهای جهانی در هزاره سوم در این زمینه گام بردارد.

کلید واژه‌ها: چالش، فناوری آموزشی، جهانی شدن، نظام آموزشی، مدیریت مشارکتی، مدرسه محوری، توسعه، دیوانسالاری، ثبات مدیریت، مدیریت غیرمتمرکز، مدیریت کیفیت

«فرزندان خود را برای زمانی غیر از زمان خود تربیت کنید  
زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند»

حضرت علی(ع)

توسعه در روند تکاملی جوامع پویا و زنده جاری است، این توسعه دارای زیرمجموعه‌های توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و... می‌باشد که همگام با هم در توسعه همه‌جانبه یک جامعه نقشی اساسی برعهده دارند. در آغاز هزاره سوم نقش فناوری اطلاعات به مثابه شالوده دهکده جهانی و به‌عنوان یکی از شاخص‌های مسلم توسعه، امری پذیرفته شده و بدیهی است و جهان شاهد تحولی عظیم در زمینه فناوری است.

امروز ما در عصر انفجار دانش و اطلاعات به سر می‌بریم. اطلاعات موجود هر سه یا چهار سال دو برابر می‌شود. حجم اطلاعات بر روی اینترنت در طول سالهای (۲۰۰۱ - ۱۹۹۵) به سه میلیارد صفحه رسیده است یعنی اطلاعات بشر در طول این شش سال هر هجده ماه دو برابر شده است. ورمن<sup>۱</sup> می‌گوید: «اطلاعات ارائه شده در یک نسخه روزنامه نیویورک تایمز بیش از کل اطلاعاتی است که یک انسان قرن هفده در انگلیس به‌طور متوسط در طول عمرش به دست می‌آورد. از طرف دیگر اقتصاد جدید عبارت است از داد و ستد دانش، یعنی چارچوب‌های سنتی توسعه از سرمایه‌محوری به دانش‌محوری تغییر یافته است. قدرت تفکر با ارزش‌ترین دارایی سازمانها تلقی می‌شود. سازمانها به‌طور فزاینده‌ای به دانش و فناوری اطلاعات وابسته می‌شوند». پیتراکر می‌گوید: «ترکیب نیروی کار در آینده از نیروی کار فیزیکی به نیروی کار دانشی تغییر می‌یابد. وی اصطلاح کارگران دانشی<sup>۲</sup> را در این مورد به کار می‌برد».

در مقایسه جهان امروز با جهان صد سال پیش می‌بینیم که تغییر و تحولات چشمگیری در زمینه‌های مختلف زندگی انسان رخ داده است. اما به قول آقای ابراهیم‌زاده: «اگر ما یک مؤسسه آموزشی صد سال قبل را با مؤسسه‌های کنونی مقایسه کنیم، متأسفانه تفاوت چشمگیری احساس نمی‌کنیم. طرز چیدمان صندلی‌ها، محل قرار گرفتن معلم، تخته سیاه و... همانی است که صد سال پیش هم بود. یادگیرندگان در هر

سطحی پشت سر هم نشسته‌اند و آنچه معلم می‌گوید و یا می‌نویسد با شتاب و هیجان با همان نوشت‌افزار در دفترهای خود می‌نویسند و خود را برای امتحان آماده می‌کنند یعنی نظام آموزشی ما به دلیل سنتی بودن مناسبت چندانی با تغییر و تحولات پیش آمده ندارد» (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۳).

آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از خرده‌نظام‌های جامعه نقش مهمی در فرایند توسعه دارد. از این‌رو چنین نهادی که خود باید توسعه‌آفرین و موتور محرکه همه ابعاد توسعه باشد، متحول نشده است. به عبارت دیگر نظام آموزشی کشور ما برای اینکه بتواند در هزاره سوم به نیازهای زمان و فناوری اطلاعات پاسخ دهد، ناگزیر می‌باید خود را با شرایط دگرگون‌شونده داخلی و بین‌المللی سازگار کند. متأسفانه نظام آموزشی کشور ما نتوانسته است افرادی تربیت کند که در موقعیت‌های گوناگون بتوانند از طریق ابداع و نوآوری به تولید علم و فناوری مبادرت ورزند و قادر به حل مسائل پیچیده اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... باشند.

البته فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش منحصر به ورود و به‌کارگیری سخت‌افزار و نرم‌افزار نیست، بلکه به قول عطاران: تغییر فرهنگ یاددهی - یادگیری، لازمه فناوری اطلاعات است. مایکل وارن<sup>۱</sup> مسئول آموزش و پرورش میشیگان در پاسخ به سؤال: «نظام آموزشی به‌طور خاص چه تحولاتی را باید پذیرا باشد تا متناسب عصر اطلاعات گردد؟» می‌گوید: «برخی تصور می‌کنند که سواد کامپیوتر کفایت می‌کند. مقصود فقط یادگیری محتوا نیست، بلکه پرورش دادن دانش‌آموزان به‌عنوان افراد نقاد، خودراهر، متفکران مشارکت‌جو و یادگیرنده است. باید به دانش‌آموزان برای تفکر نقاد، طرح پرسش‌های دشوار، هدایت پژوهش و... جرأت داد. البته اساس تغییر، کاربرد فناوری اطلاعات است، ولی این امر آغاز کار است. دانش‌آموزان و مربیان باید با هم کار کنند، بحث کنند، اطلاعات خود را مبادله و خلق دانش کنند. مربیان فقط معلم نیستند، بلکه تسهیل‌کننده فرایند پیش‌گفته‌اند و دانش‌آموزان فقط یادگیرنده نیستند، بلکه خالق دانش‌اند» (عطاران، ۱۳۸۱).

در چنین فرایندی دانش‌آموزان و معلمان در کارگاه‌های کامپیوتر مدارس

وظیفه‌ای بسیار دشوار خواهند داشت و کار آنها فقط به بازی با کامپیوتر و چت کردن محدود نخواهد شد. بنابراین در فرایند جهانی شدن و توسعه دانش و فناوری اطلاعات در هزاره سوم، تغییر و تحول در ساختار، برنامه‌ها، اهداف و روشها در همه نهادهای اجتماعی به ویژه، آموزش و پرورش ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و بی‌توجهی به تحولات جهانی به معنای قطع ارتباط با سایر بخش‌های نظام بین‌المللی است که سرانجام منجر به حاشیه‌نشینی ما خواهد شد و ضررهای جبران‌ناپذیری را برای جامعه به دنبال خواهد داشت.

### اهداف

روی آوری به فناوری اطلاعات، جهانی شدن آموزش و پرورش و توسعه و تحول آن در هزاره سوم همواره چنین اهدافی را در جامعه دنبال خواهد کرد:

- ۱- تغییر و تحول بنیادی در ساختار، قوانین و تشکیلات آموزش و پرورش
- ۲- تغییر و تحول بنیادی در مدیریت آموزش و پرورش
- ۳- تغییر و تحول بنیادی در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی
- ۴- تغییر و تحول بنیادی در آموزش نیروی انسانی
- ۵- اجرای مدیریت مشارکتی در آموزش و پرورش
- ۶- اجرای مدیریت کیفیت در آموزش و پرورش
- ۷- اجرای طرح مدرسه محوری<sup>۱</sup> در آموزش و پرورش و...

تحقق این اهداف، زمینه را برای همگام شدن با تحولات جهانی در هزاره سوم و توسعه دانش و فناوری اطلاعات، تسهیل خواهد کرد و آموزش و پرورش کشور را پویایی تازه‌ای خواهد بخشید.

### سابقه پژوهش

جهانی شدن به زبان ساده فرایند اجتماعی شدن، انسجام، پذیرش مردم، تحمل عقاید آنان و سازگاری و حسن سلوک با مردم به‌طور متقابل است. جهانی شدن دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

پیدایش نظام نو ارتباطات الکترونیکی که عرصه آن، نظام جهانی است و ویژگی‌اش یکپارچه‌سازی همه رسانه‌های ارتباطی و برهمکنشی ذاتی است، در حال تغییر فرهنگ‌هاست و آن را دگرگون می‌کند. از این منظر جهانی شدن، تمدن اطلاعاتی را بنا می‌کند که اتکای آن به زمین، سرمایه یا مواد خام نیست، بلکه مبتنی بر خلاقیت بشری و نبوغ و ابتکار او است (کاستلز، ۱۳۸۰).

واژه جهان شدن به مفهوم فرایند جامعه‌باز یا دهکده جهانی اطلاق می‌شود که در آن همگان از حقوق برابر نظیر آزادی بیان، رشد فکری، آرمان یکپارچگی، انجمن‌های علمی، فرهنگی و صنفی با ارشاد مدیران شایسته و رهبران کارآمد برخوردار باشند (کرمی‌پور، ۱۳۸۲). امروزه جهانی شدن، یکپارچگی، تعمیم‌گرایی، نظام باز، نظام آزاد جهانی، بین‌المللی شدن، نظم نو جهانی با واژه‌های متفاوت، اما به مفهوم یکسان در فرهنگ‌های مکتوب و مدون درج شده و مورد بررسی و نقد و مباحثه نظریه‌پردازان جهانی قرار می‌گیرند (بابازاده، ۱۳۸۱).

پدیده جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیری که بر جنبه‌های گوناگون زندگی گذاشته است، منجر به ظهور برخی تحولات بنیادی در روابط و مناسبات جوامع بشری و موجد دوران جدیدی در عرصه حیات اجتماعی شده است که از آن به‌عنوان جامعه اطلاعاتی یاد می‌شود. ویژگی اصلی این جامعه، کوچک شدن جهان و تحقق دهکده جهانی براساس تبادلات گسترده و سریع اطلاعات در بین انسانهاست.

پدیده جهانی شدن در حال تغییر فرهنگ‌هاست و آنها را دگرگون می‌کند. فناوریهای اطلاعات در پیدایش روشها و اشکال نو تعلیم و تربیت تأثیر می‌گذارد و به فضاهای آموزشی وارد می‌شود. این موضوع از اواخر قرن بیستم میلادی به مثابه یکی از خط‌مشی‌های اساسی کشورهای در حال توسعه مطرح شده است. آموزش و پرورش نمی‌تواند خود را در قرنطینه نگه دارد، بلکه بخش مهم و اصلی این تغییرات است. بسیاری از جوامع بیم از آن دارند که نتوانند آموزش و پرورش خود را با نیازهای روز همگام کنند و از جوامع دیگر عقب بمانند. از آنجا که مهمترین هدف آموزش و پرورش شکوفاسازی استعدادها و خلاقیت‌های دانش‌آموزان است، انتظار می‌رود که همگام با توسعه فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطی، آموزش و پرورش نیز از حرکت شتابان این قافله دور نماند (امام جمعه، ۱۳۸۲). در زمینه جهانی شدن آموزش و پرورش پژوهش‌های مفیدی انجام گرفته است که در اینجا به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

قوام در پژوهشی با عنوان «اصلاح نظام آموزش و پرورش در رویارویی با آثار به‌منظور پاسخگویی به برنامه‌های توسعه، تغییرات فناوری و تحولات قرن آینده و ایران سال ۱۴۰۰» عصر جهانی شدن را فرایند بزرگ قرن ۲۱ دانسته است و ضرورت توجه به این پدیده را مورد بررسی قرار داده است. وی فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی را فاقد توان و تخصصی می‌داند که از طریق ابداع و نوآوری به تولید اندیشه و علم پردازند و قادر به حل مشکلات جامعه باشند. تغییر ساختارهای سنتی آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن نیز مورد توجه نویسنده مقاله است زیرا به نظر او قواعد بازی جهانی شدن با قواعد گذشته متفاوت است (قوام، ۱۳۸۱).

عطاران در پژوهشی با عنوان «جهانی شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تعلیم و تربیت و آینده آن» جهانی شدن را انقلابی می‌داند که سرانجام آن پدیدآیی تمدنی است اطلاعاتی، تمدنی که مبتنی بر خلاقیت بشری و نبوغ و ابتکار او است. وی پس از بیان ویژگیهای تعلیم و تربیت جدید، تغییر و تحول در تعلیم و تربیت و ساختار نظام آموزشی را تابع غلبه اطلاعات و فناوری می‌داند (عطاران، ۱۳۸۱).

شافعی در مقاله‌ای با عنوان «استانداردسازی فعالیتهای آموزش و پرورش براساس خواسته‌های استاندارد ایزو ۹۰۰۰» در اجرای مدیریت کیفیت در قالب یک نظام اجرایی و کاربرد آن در آموزش و پرورش، معیارهای لازم را پیشنهاد می‌کند و می‌نویسد که نظام آموزش و پرورش کشورمان نیز با پیروی از الزامات ایزو ۹۰۰۰ درصدد استقرار نظام‌های مدیریت کیفیت در سراسر این سازمان بزرگ است و برای این کار تغییر و تحولی بنیادی در ساختار، قوانین، برنامه‌ها و روشهای استاندارد کردن فعالیتها لازم است. وی کیفیت فعالیتهای آموزش و پرورش را در گرو حرکت در مسیر استقرار نظام‌های مدیریت کیفیت در آموزش و پرورش می‌داند (شافعی، ۱۳۸۱).

### پیش فرض‌ها

ساختار تعلیم و تربیت ایران در راه توسعه دانش و فناوری اطلاعات و جهانی شدن در هزاره سوم، با مشکلات و موانعی روبه‌رو است که رفع آن موانع جهانی شدن را تسهیل خواهد کرد؛ موانعی که مربوط به ساختار، برنامه‌ها، طرحها و روشهای نظام آموزشی می‌باشد. رفع این موانع تنها با شناخت کامل آنها میسر خواهد بود. بنابراین ضروری

است که نظام آموزشی ایران و ویژگیهای آن مورد بررسی قرار گیرد و موانع موجود شناخته شود.

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- نظام آموزشی ایران در راه توسعه و جهانی شدن با مشکلاتی روبه‌رو است.
- ۲- مشکلات نظام آموزشی ایران مربوط به ساختار، برنامه‌ها و روشهای آن است.
- ۳- رفع موانع و مشکلات نظام آموزشی ایران، توسعه و جهانی شدن را تسهیل می‌کند.

### روش انجام کار

برای شناخت موانع ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم و در پاسخ به این سؤال که «نظام آموزشی چه مشکلاتی در راه پیشرفت و توسعه، پیش رو دارد؟» با مطالعه کتابها و مقالات مختلف راجع به آموزش و پرورش و مشاوره با صاحب نظران نظام آموزشی و با تعمق و اندیشه درباره آنها، ویژگیهای بارز نظام آموزشی ایران شناسایی شد و مورد بررسی قرار گرفت. ویژگیهای شناسایی شده عبارت‌اند از: مدیریت متمرکز، دیوانسالاری، بی‌ثباتی مدیریت، بی‌توجهی به کیفیت و اثربخشی و آموزش نیروی انسانی. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل، این ویژگیها به عنوان مشکلات فراروی ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم مورد بررسی قرار گرفتند. پس از بررسی و تجزیه و تحلیل مشکلات، برای دستیابی به راهکارهایی برای رفع این مشکلات، با مطالعه و بررسی نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته، برخی از ویژگیهای آن نظام‌ها شناسایی و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. راهکارهای شناسایی شده عبارت‌اند از: مدیریت مشارکتی، مدرسه محوری، مدیریت کیفیت، مدیریت غیرمتمرکز، ثبات مدیریت، کاهش دیوانسالاری و توجه به آموزش نیروی انسانی.

### مشکلات فراروی ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم

شناخت موانع و مشکلاتی که ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم با آن روبه‌رو است و فرایند توسعه را کند و حتی متوقف می‌کند، ضروری است. شناخت این مشکلات ما را در راه رسیدن به راه‌حل‌ها و چشم‌اندازها یاری می‌کند. برخی از مهمترین این مشکلات عبارت‌اند از:



### تمرکزگرایی و نظام آموزشی متمرکز

از ویژگیهای نظام آموزشی ایران که متأثر از سابقه فرهنگی، تاریخی و سیاسی کشور ماست، تمرکزگرایی است. این ویژگی به عنوان یک چالش فرهنگی سد راه توسعه دانش و فناوری در نظام آموزشی است. نظام آموزشی متمرکز به نظامی اطلاق می شود که در آن تفویض اختیار کم باشد و بیشتر تصمیم گیری ها در اختیار مدیران عالی سازمان و در وزارت آموزش و پرورش متمرکز باشد. در نظام های آموزشی متمرکز نظام آموزشی کل کشور به وسیله یک دستگاه مرکزی اداره می شود... اختیار و مسؤلیت نهایی تصمیم گیری بر عهده بالاترین مقام در سلسله مراتب نظام است... ایالات و استان ها به صورت جداگانه و منفرد حق قانونی تصمیم گیری ندارند (علاقه بند، ۱۳۷۱).

نظام های آموزشی متمرکز علاوه بر اینکه فرایند<sup>۱</sup> توسعه و جهانی شدن و فناوری آموزشی را تسهیل نمی کند، با رسالت آموزش و پرورش نیز در تضاد است، زیرا چنین نظام هایی به علت اینکه تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها از بالا به پایین اعمال می شود، خلاقیت و نوآوری را ارج نمی نهد و به تفاوت های فردی دانش آموزان نیز توجه نمی کند. در چنین موقعیتی توسعه دانش و فناوری اطلاعات در نظام آموزشی جنبه دستوری و تحمیلی پیدا می کند و در ظاهر محقق می شود، اما در باطن از آن خبری نیست. از همین رو به نظر می رسد، در دنیایی که گرایش به عدم تمرکز در همه نهادهای اجتماعی به ویژه آموزش و پرورش وجود دارد، نظام های آموزشی متمرکز نمی توانند گام های اساسی قابل توجهی را در هزاره سوم در راه توسعه دانش و فناوری اطلاعات و جهانی شدن بردارند.

### دیوانسالاری

وبر<sup>۲</sup> نظریه دیوانسالاری را در جست و جوی ارزش هایی برای استاندارد کردن فعالیت سازمانها در چارچوب قواعد و مقررات ثابت و تربیت نیروی انسانی متخصص که مقررات را دقیق اجرا کنند، می داند. این نظریه علاوه بر مزایایی که برای سازمانها در بر دارد، دارای آثار منفی نیز هست که شامل موارد: خشکی و انعطاف ناپذیری، جمود شخصیت، خودمحوری، جابه جایی هدف و وسیله و... می باشد (مدنی، ۱۳۷۰).

به نظر می‌رسد نظام آموزشی مبتنی بر نظریه دیوانسالاری نمی‌تواند یک نظام آموزشی خلاق و پویا باشد و استعداد‌های ذاتی دانش‌آموزان را شکوفا سازد، زیرا چنین نظامی می‌خواهد همه فراگیران را با مقررات و قوانین ثابت آموزشی و اداری، تطبیق دهد و از این‌رو، از رشد و خلاقیت و ابتکار آنان جلوگیری به عمل می‌آورد. و به‌طور طبیعی چنین نظام آموزشی قادر به همگام شدن با فناوری اطلاعات، توسعه آموزش و پرورش و ارزش‌های تعلیم و تربیت جهانی از جمله تولید علم و فناوری نخواهد بود و دست‌پرورده‌های چنین نظامی نیز مبتکر و خلاق نمی‌باشند. از این‌رو دیوانسالاری به‌عنوان یک چالش اساسی فراروی ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم است.

#### بی‌ثباتی مدیریت

یکی از مشکلات مهم ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم، بی‌ثباتی مدیریت است؛ بدین معنی که انتصاب مدیران آموزشی از وزیر گرفته تا مدیر مدرسه تابع نوسانات سیاسی جامعه است و به همین دلیل دوره مدیریت آنان بسیار کوتاه و این امر با برنامه‌ریزی‌های آموزشی که ماهیتی درازمدت دارد، سخت در تضاد است. علاوه بر این بی‌ثباتی در مدیریت آموزشی به‌عنوان یک چالش، روی‌آوری به فناوری اطلاعات و جهانی شدن آموزش و پرورش را به تعویق خواهد انداخت.

در نظام مدیریت، فردی را برکنار می‌کنیم و فرد دیگری را جایگزین او می‌کنیم. حق طبیعی مدیر جدید است که نظام مدیریت را از نفر قبلی تحویل بگیرد، اما تجربه‌ای که مدیر قبلی کسب کرده، منتقل نمی‌شود و این مسأله ضعف مدیریت ماست که دلیل آن مشکل اداری ماست که نتوانسته‌ایم نظامی را ایجاد کنیم تا تجربه در آن نهادینه شود. تجربه‌ای که به‌دست آمده، نباید تکرار شود (اکرام جعفری، ۱۳۷۸).

#### بی‌توجهی به آموزش‌های ضمن خدمت

لزوم آموزش نیروی انسانی در هر سازمانی از لوازم توسعه دانش و فناوری در هزاره سوم است، همگام شدن با پیشرفتهای جهانی آموزش و پرورش و فناوریهای اطلاعات و ارتباطات، منوط به آموزش مستمر نیروی انسانی این نهاد اجتماعی است. آموزشی که کارکنان آموزشی و غیرآموزشی را با کاروان علم و پژوهش‌های جدید همگام کند و

همراه با ارزشیابی دقیق و منظم باشد. آموزش نیروی انسانی که هم‌اکنون در آموزش و پرورش جریان دارد به دلایل زیر موفقیت‌آمیز نبوده است:

- ۱- آموزشها نظری و غیرکاربردی است.
  - ۲- شرکت در دوره‌ها براساس ایجاد انگیزه و علاقه افراد نیست.
  - ۳- هدف شرکت‌کنندگان صرفاً گرفتن گواهینامه‌های مربوط و امتیازات آنهاست.
  - ۴- شرکت در دوره‌ها اجباری نیست.
  - ۵- آموخته‌های دوره‌ها در محیط سازمان به کار نمی‌آید.
  - ۶- آموخته‌ها مورد ارزشیابی دقیق قرار نمی‌گیرد و در تصمیم‌گیری مدیران مؤثر نیست.
- علاوه بر این در آموزش نیروی انسانی باید این‌ها را در کارکنان به وجود آورد که آموخته‌های حاصل از آموزش از جمله آموزش فناوری، به کارشان مربوط می‌شود و اگر چنین تفکری به وجود آید، کارکنان و معلمان بسیار علاقه‌مند و مشتاق وارد فناوریهای جدید در محیط آموزشی می‌شوند. به عبارت دیگر در آموزش فناوری باید به جای یادگیری کاربرد فناوری، بر کاربرد فناوری برای یادگیری تأکید کرد. نبودن چنین آموزشهایی، مانعی بزرگ فراروی توسعه دانش و فناوری اطلاعات و جهانی شدن آموزش و پرورش در هزاره سوم است و آن را به تأخیر خواهد انداخت.

#### بی‌توجهی به کیفیت و اثربخشی

یکی از مشکلات فراروی تعلیم و تربیت ایران در راه توسعه دانش و فناوری اطلاعات و جهانی شدن، توجه نداشتن به کیفیت و اثربخشی در نظام آموزشی است. نظام‌های آموزشی که در برنامه‌ریزی‌های خود فقط به کمیت‌ها توجه کنند و از کیفیت و اثربخشی برنامه‌ها غافل بمانند، علاوه بر اینکه به اهداف واقعی آموزش و پرورش نخواهند رسید، از قافله توسعه و جهانی شدن نیز عقب خواهند ماند. البته برنامه‌ریزی‌های آموزشی مانند هر برنامه‌ریزی دیگر دارای دو بعد کمی و کیفی است و افراط و تفریط در یکی از این ابعاد، بی‌توجهی به بُعدی دیگر خواهد بود. البته ذکر این نکته ضروری است که ما همواره در توسعه پایدار، مجبور به رعایت اولویت کیفیت بر کمیت برنامه‌ها خواهیم بود.

راهکارهای تغییر و تحول در ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم برای رفع این مشکلات در نظام آموزشی ایران، روی آوردن به مؤلفه‌ها و راهکارهای زیر فرایند تغییر و تحول را در ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم تسهیل می‌کند و سرعت می‌بخشد. اجرای این راهکارها با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت میسر است، اما از برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت نیز نباید غافل بود. برخی از مهمترین این راهکارها عبارت‌اند از:

### مدیریت مشارکتی

فیلیپ کومبز در کتاب بحران جهانی تعلیم و تربیت می‌گوید: اگر قرار است تحولی در عرصه تعلیم و تربیت به وقوع پیوندد، این تحول و دگرگونی باید از مدیریت آموزش و پرورش آغاز گردد (عسکریان، ۱۳۶۳). وی ریشه اصلی مشکلات تعلیم و تربیت را در مدیریت آموزشی می‌داند.

یکی از راههای تغییر و تحول در مدیریت آموزشی و اصلاح آن، کاربست مدیریت مشارکتی است. در سازمان گسترده‌ای به نام آموزش و پرورش، مشکلات برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی و ارزشیابی نیاز به مدیریت مشارکتی را دو چندان می‌سازد. مشارکت در سازمانهای بزرگی چون آموزش و پرورش، بازوانی قوی برای مدیریت است که بسیاری از مشکلات درون‌سازمانی را سامان می‌بخشد. اولین انقلاب در مدیریت پیدایش علم مدیریت بود، دومین انقلاب جدایی مالکیت از مدیریت و سومین انقلاب مدیریت مشارکتی می‌باشد. مدیریت مشارکتی به معنای مشارکت دادن کارکنان یک سازمان در تعیین اهداف، فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و نحوه انجام کار است.

منظور از مشارکت کارکنان، کلیه اقداماتی است که میزان نفوذ و مسؤولیت کارکنان را در فرایند تصمیم‌گیری افزایش می‌دهد و هدف از آن نیز این است که از طریق دخالت دادن کارکنان در فرایند تصمیم‌گیری از میزان برخوردها و تعارض‌های موجود میان مدیران و کارکنان کاسته شود (زاهدی، ۱۳۶۹).

مشارکت کارکنان دارای هدفهای اقتصادی، اجتماعی و روانی است. از نظر

اقتصادی مشارکت منجر به افزایش کمی و کیفی بهره‌وری در سازمان می‌شود. از بعد اجتماعی، مشارکت با تقویت همکاری در طرفین کار، میزان برخوردها و تعارض‌ها را کاهش می‌دهد... از نظر روانی نیز با استقرار نظام مشارکت در مدیریت، ارزش عامل انسانی در سازمان به رسمیت شناخته می‌شود و به جنبه انسانی کار توجه بیشتری معطوف می‌گردد و این امر موجب رضایت کارکنان می‌شود (الوانی، ۱۳۷۲).

در دنیای امروز گذر به شیوه مشارکتی اداره امور در محیط کار ضروری و گریزناپذیر است، زیرا ظرفیت برای مشارکت گسترش یافته است و مسائل رویاروی ما در محیط کار بسیار پیچیده‌تر و به هم وابسته‌تر از آن هستند که معدودی از مسئولان بتوانند آنها را حل کنند.

طبیعی است که اگر میزان نفوذ و مسؤلیت کارکنان نظام آموزشی در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و نحوه انجام کار افزایش یابد، تعارض‌های موجود میان مدیران و کارکنان کاسته می‌شود و انگیزه برای کار اثربخش در آنان ایجاد می‌گردد و بستر مناسبی برای توسعه دانش و فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش فراهم خواهد شد. بنابراین به منظور توسعه و تغییر و تحول در ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم، گرایش به مدیریت مشارکتی در نظام آموزشی از اهمیت والایی برخوردار است. گرایشی که در دنیای امروز نه تنها نظام‌های آموزشی، بلکه سایر نهادهای جامعه را نیز در بر گرفته است.

#### مدرسه محوری

در نظام‌های آموزشی کشورهای پیشرفته، توجه به طرح مدرسه محوری در اولویت خاصی قرار دارد. در این الگو، مدرسه محور همه تصمیم‌گیری‌هاست و سازمانهای اداری آموزش و پرورش هیچ نوع دخالتی در اداره امور مدارس نخواهند داشت. چنین مدرسی که به مدارس خودگردان نیز معروف هستند، حاصل نظام‌های آموزشی غیرمتمرکز هستند؛ نظام‌هایی که بیشترین تفویض اختیار را دارند و به مدارس زیرمجموعه خود در زمینه‌های برنامه درسی، بودجه، انتخاب کادر آموزشی و غیر آموزشی، برنامه‌ریزی آموزشی، ارزشیابی و... اختیار تصمیم‌گیری داده‌اند.

برنامه‌ریزی‌های مدرسه از جمله برنامه‌ریزی برای توسعه دانش و فناوری در داخل مدرسه انجام می‌گیرد و چنین برنامه‌ریزی‌هایی به دلیل رعایت شرایط و امکانات اجرایی و تفاوت‌های فردی موفق‌تر خواهد بود. در چنین مدارسی شیوه مدیریت، مشارکتی است. ویژگی‌های چنین مدارسی عبارت‌اند از: شایسته‌سالاری، ایجاد انگیزه در کارکنان، عدم تمرکز در امور و توجه به برنامه‌ریزی بلندمدت. این‌گونه مدارس به علت پاسخگویی در برابر جامعه، باید به صورت مداوم اهداف، فرایند کار، فعالیتها، طرحها، بازده و نتایج کار را مورد ارزشیابی قرار دهند.

توجه به طرح مدرسه‌محوری به منظور توسعه و تغییر و تحول ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم از جمله مسائلی است که یاری مسؤلان نظام آموزشی کشورمان را می‌طلبد.

#### ثبات مدیریت

از آنجا که در جهان امروز اثربخشی و کیفیت در سازمانهای آموزشی منوط به برنامه‌ریزی‌های درازمدت است، ثبات مدیریت عامل تعیین‌کننده‌ای در این زمینه خواهد بود. همان‌گونه که پیش از این هم اشاره شد، تغییر مدیران در جریان نوسانات سیاسی جامعه، ضربه جبران‌ناپذیری بر پیکره سازمان آموزش و پرورش و کیفیت فعالیت‌های آن وارد می‌آورد.

سطوح عالی مدیریت تا حدود زیادی متأثر از رفتارهای سیاسی سطوح بالاتر از خودشان هستند و جابه‌جایی آنها بیشتر تحت تأثیر فعل و انفعالات سیاسی قرار دارد. در سطح دیگر مدیریت که اجرایی است، درصد ثبات مدیریت خوب و قابل توجه است. به بیان دیگر درصد تغییرات در سطوح عالی مدیریت حدود دو برابر تغییرات در سطوح عملیاتی است و این مسأله نشان می‌دهد که سطوح عالی مدیریت پذیرفته است که تجارب مدیران عملیات نباید تحت تأثیر رویکردهای سیاسی قرار گیرد (انصاری، ۱۳۷۸).

بی‌ثباتی در مدیریت توجه مدیران را به اهداف کوتاه‌مدت و کمی سوق می‌دهد و نظام آموزشی را از اهداف درازمدت و کیفی محروم می‌سازد. نکته دیگر تغییرات شدید و جابه‌جایی فراوان مدیران در تصدی‌های دولتی است یعنی به جای اینکه نظام

راهبردی و مدیریت را در روبرویی با تغییرات محیطی استقرار دهند، به تغییر مدیران در پاسخگویی به تغییرات محیط می‌پردازند (صانعی‌پور، ۱۳۷۸).

همان‌گونه که گفته شد ثبات مدیریت ارتباط تنگاتنگی با برنامه‌ریزی‌های درازمدت دارد، بدین معنا که یک مدیر در طول زمان می‌تواند برنامه‌ها و اهداف خود را در سازمان پیاده کند. برای مثال یک مدیر آموزشی در یک آموزشگاه اگر هر سال عوض نشود، بهتر می‌تواند در درازمدت، اثربخشی خود را در مدرسه نشان دهد. آقای فرتوک‌زاده در این زمینه می‌نویسد: «از دیگر مشکلات در آغاز هزاره سوم، دستیابی به مدیرانی است که بتوانند با تدوین برنامه‌های بلندمدت سازمان را به سمت اهداف بلندمدت رهنمون باشند» (فرتوک‌زاده، ۱۳۷۸).

از فواید دیگر ثبات مدیریت، پیشگیری از دوباره‌کاری‌هاست، در غیر این صورت مدیران جدید همواره تجربه‌های مدیران قبل را در کوتاه‌مدت تکرار می‌کنند و بدین وسیله وقت و سرمایه سازمان به هدر می‌رود و در راه برنامه‌ریزی‌های بلندمدت سازمان به کار نمی‌آید. بنابراین ثبات مدیریت یکی از چشم‌اندازها و راهکارهای مهم در ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم است و بر مسؤولان نظام آموزشی است که به این مهم توجه کنند.

#### مدیریت کیفیت

مدیریت کیفیت در آموزش و پرورش از دیگر مقوله‌هایی است که حرکت نظام آموزشی را به سوی توسعه و تحول در ساختار تعلیم و تربیت در هزاره سوم، با تأکید بر خلاقیت و ابتکار به دنبال دارد و ارزشیابی مستمر از فعالیتها، طرحها و عملکرد نظام آموزشی به عنوان بازخورد، توجه به کیفیت را سرعت می‌بخشد.

با توجه به اینکه اکنون فناوری ارتباطات و حمل و نقل، نظام اقتصاد ملی را به نظام اقتصاد جهانی مربوط کرده است، ملل و مشاغلی که مطابق مدیریت کیفیت جامع عمل نکنند، به سرعت در سطح جهانی از عرصه رقابت خارج می‌شوند. بنابراین فایده ذاتی مدیریت کیفیت جامع در مدارس و مناطق آموزشی و دانشکده‌ها بسیار روشن است. تأکید بر بهبود مداوم در مدیریت کیفیت جامع، شرایط و امکان پاسخ‌دهی معمول

در اصلاح آموزشی را محقق می‌سازد (شکرزاده، ۱۳۸۰). از این‌رو توجه به مدیریت کیفیت، نظام آموزشی ما را با معیارهای جهانی در هزاره سوم همگام می‌سازد و بستر مناسبی برای توسعه دانش و فناوری در نظام آموزشی است.

### مدیریت غیرمتمرکز

از آنجا که در دنیای جدید، منبع اساسی کسب و کار، سرمایه و تجهیزات نیست، بلکه دانش و فناوری و اطلاعات و ایده‌هاست، بنابراین سازمانها به تجدید ساختار و سازمان مرکزی کوچکتر روی می‌آورند. در کل ساختار سازمان به سوی مجازی شدن، عدم تمرکز و انعطاف‌پذیر شدن در حال تغییر هستند. گرایش فلسفه، اهداف و فعالیتهای سازمان آموزش و پرورش از تمرکز به عدم تمرکز موجب تفویض اختیار به زیردستان خواهد شد و بر کیفیت کار در سازمانهای آموزشی نیز تأثیر قابل توجهی خواهد داشت.

این تغییر و تحول در آموزش و پرورش ویژگیهای مثبت زیر را نیز به دنبال دارد:

- ۱- توجه به نیازها، شرایط و امکانات محلی و منطقه‌ای و مشکلات اجرایی
- ۲- امکان تبادل نظر از پایین به بالا یا ارتباط متقابل بین مدیران و برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌ها

۳- توجه به تفاوت‌های فردی

۴- توجه به خلاقیت‌ها، ابتکار و آزادی عمل

۵- توجه به تصمیم‌گیری در رده‌های پایین سازمان آموزشی (تصدیقی، ۱۳۷۴).

توجه به مدیریت غیرمتمرکز در آموزش و پرورش به منظور توسعه و تغییر و تحول در ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم، ضرورتی است که مسؤولان نظام آموزشی هر چه زودتر باید احساس کنند و در جهت اجرای آن گام‌های اساسی بردارند.

### کاهش دیوانسالاری

نظام آموزشی اگر به دنبال نوآوری‌ها باشد و بر کیفیت تأکید کند، ناگزیر باید بسیاری از مقررات دست و پاگیر اداری را تعدیل کند، زیرا دیوانسالاری به دلیل ویژگیهای ذاتی خود نمی‌تواند به خلاقیت و ابتکار میدان دهد و در بسیاری از موارد، کیفیت را فدای



کمیت می‌سازد. کاهش دیوانسالاری در آموزش و پرورش زمینه مشارکت و خلاقیت را تسهیل می‌کند و این خود تحولی دیگر در جهت توسعه دانش و فناوری در نظام آموزشی و جهانی شدن آن است.

نکته دیگر در این زمینه این است که با کاهش بسیاری از مقررات دست و پاگیر اداری در آموزش و پرورش، آزادی عمل و انعطاف‌پذیری قابل توجهی در مورد اجرای امور پیش می‌آید و نظام آموزشی که رسالتش شکوفا ساختن استعداد های ذاتی دانش‌آموزان است، بهتر می‌تواند بستر مناسب توسعه دانش و فناوری را در هزاره سوم فراهم کند.

#### توجه به آموزش نیروی انسانی

از دیگر راهکارهای تغییر و تحول در ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم که بر اثربخشی و کیفیت فعالیتهای آن تأثیر بسزایی دارد، برنامه‌ریزی آموزشی برای ارتقای سطح علمی نیروی انسانی آموزش و پرورش است. آشنایی با پژوهشهای جدید، روشهای نو در زمینه انجام کار و فناوریهای جدید... از نتایج این برنامه‌ریزی‌هاست. از نکات مهم این آموزش‌ها، استمرار و کاربست آنهاست که مدیران سازمان آموزش و پرورش باید بدان توجه کافی داشته باشند.

اگر در نظام آموزشی، کارکنان، دوره‌های آموزشی را طی کنند و در پایان دوره‌ها ارزشیابی دقیقی از آموخته‌ها وجود نداشته باشد و نتایج آنها در تصمیم‌گیریها مورد استفاده قرار نگیرد، دیگر ما چه انتظاری داریم که در این دوره‌ها یادگیری صورت گیرد و دوم اینکه اگر هم چیزی یاد گرفته شده باشد، به کار بسته شود و در عملکرد فرد و سازمان بهبود حاصل شود.

#### نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت ایران در راه توسعه دانش و فناوری اطلاعات و جهانی شدن در هزاره سوم در شرایط فعلی با مشکلات زیادی در ساختار اداری و آموزشی روبه‌رو است؛ این مشکلات از قبیل: ساختار متمرکز، دیوانسالاری حاکم، بی‌ثباتی مدیریت، بی‌توجهی به

آموزشهای ضمن خدمت و به کیفیت و اثربخشی، نظام آموزشی را احاطه کرده است و همواره مانعی فراروی توسعه دانش و فناوری آموزشی است. این مشکلات به طور عمده ریشه فرهنگی، تاریخی و سیاسی دارند و در ساختار قوانین فرهنگ سازمانی و مدیریت نظام آموزشی ریشه دوانده‌اند و یک شبه نمی‌توان آنها را از میان برداشت. برای رفع این مشکلات و موانع، از راه‌حلهایی که می‌تواند نظام آموزشی را در توسعه پایدار و جهانی شدن یاری دهد، می‌توان مدیریت مشارکتی، مدرسه‌محوری، مدیریت متمرکز، مدیریت کیفیت، ثبات مدیریت، آموزش نیروی انسانی و کاهش دیوانسالاری را نام برد.

مسئولان نظام آموزشی باید تمام همت خود را مصروف اجرای این چشم‌اندازها نمایند و با برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت و بلندمدت، زمینه را برای توسعه دانش و فناوری اطلاعات در آموزش و پرورش و جهانی شدن آن مهیا سازند. از دیدگاه توسعه، فناوری اطلاعات مهمترین ابزار، روش و سرمایه برای توانمندسازی جوامع و سازمانها در قرن جدید است و فرصتی استثنایی برای کشورهای در حال توسعه برای جبران عقب‌ماندگی‌های عصر صنعت و تحقق ورود به دوران فراصنعتی است.

آنچه بدیهی است اینکه پیشاهنگان عصر توسعه دانش و فناوری اطلاعات و ارتباطات در هزاره سوم، فاتحان جهان امروز و بهره‌مندان دستاوردهای بشری خواهند بود و غفلت‌کنندگان از این مسأله، مغلوبان این دوره از تاریخ و غارت‌زدگانی خواهند بود که سرنوشتشان را دیگران رقم خواهند زد.

### پیشنهادها

برای توسعه و تغییر و تحول در ساختار تعلیم و تربیت ایران در هزاره سوم پیشنهاد می‌شود که:

- ۱- فرهنگ مشارکت و مدیریت مشارکتی ایجاد و تقویت گردد.
- ۲- طرح مدرسه‌محوری بیش از پیش توسعه و گسترش یابد و مورد توجه قرار گیرد.
- ۳- ساختار، تشکیلات و آیین‌نامه‌ها و مقررات نظام آموزشی متناسب با توسعه دانش و فناوریهای جدید و اهداف مدیریت مشارکتی متحول شود.

- ۴- از میزان دیوانسالاری در سازمانهای اداری و آموزشی کاسته شود.
- ۵- به کارگماردن مدیران آموزشی و غیرآموزشی از حالت انتصابی خارج شود و مدیران از بین افراد سازمان انتخاب گردند.
- ۶- آموزش تخصصی و مبتنی بر فناوریهای جدید برای نیروی انسانی آموزش و پرورش به طور مستمر برنامه ریزی و اجرا شود.
- ۷- به نوآوری، ابتکار و خلاقیت کارکنان آموزشی و غیرآموزشی میدان داده شود.
- ۸- سازمان اداری آموزش و پرورش برای عدم تمرکز شتاب بیشتری داشته باشد.
- ۹- یک نظام ارزشیابی دقیق و علمی در سازمانهای اداری و آموزشی استقرار یابد و تمامی اجزا و ارکان آموزش و پرورش را در جهت بهبود کیفیت و اثربخشی و همگامی با فناوری اطلاعات به طور مستمر مورد ارزشیابی قرار دهد.
- ۱۰- در به کارگماردن مدیران، ثبات مدیریت همواره مدنظر قرار گیرد.
- ۱۱- تفویض اختیار به مدیران رده های پایین آموزش و پرورش افزایش یابد.
- ۱۲- مدیریت کیفیت در آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد.
- ۱۳- به رفاه مادی و منزلت معنوی معلمان در سطوح مختلف توجه شود تا انگیزه لازم برای ارتقای کیفی آموزش و پرورش پدید آید و راه برای پذیرش تحولات اساسی هموار گردد.

ژوئیه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## منابع

- ابراهیم زاده، عیسی. (۱۳۸۳)، «ضرورت بازنگری در آموزش فناوری و چالش های پیش رو»، چکیده مقالات دومین همایش فناوری آموزشی، تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- اکرام جعفری، محمدجعفر و دیگران. «آسیب شناسی نظام مدیریت»، ماهنامه تدبیر، شماره ۹۲ خردادماه ۱۳۷۸، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
- الوانی، سید مهدی و دیگران. (۱۳۷۲)، مباحث ویژه در مدیریت دولتی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

امام جمعه، طیبه. «آموزش و پرورش در عصر اطلاعات»، رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۱۵۱، آبان‌ماه ۱۳۸۲، تهران، وزارت آموزش و پرورش.

بابازاده، محمد. (۱۳۸۱)، «جهانی شدن، موریانه‌ای به جان درآمد دولت‌ها»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۲۱، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

تصدیقی، محمدعلی، (۱۳۷۴)، مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی.

زاهدی، شمس‌السادات، (۱۳۶۹)، روابط صنعتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

شافعی، رضا. (۱۳۸۱)، «استانداردسازی فعالیتهای آموزش و پرورش براساس خواسته‌های استاندارد ایزو ۹۰۰۰»، چکیده مقالات همایش مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

شکرزاده، صادق. (۱۳۸۰)، «مدیریت کیفیت جامع در آموزش و پرورش»، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۲۸، تهران، وزارت آموزش و پرورش.

عسکریان، مصطفی. (۱۳۶۳)، سازمان و مدیریت آموزش و پرورش، تهران، انتشارات امیرکبیر. عطاران، محمد. «تغییر فرهنگ یاددهی یادگیری، لازمه فناوری اطلاعات»، وبلاگ در آموزش و پرورش، شنبه ۸ آبان‌ماه ۱۳۸۱.

عطاران، محمد. (۱۳۸۱)، «جهانی شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات، تعلیم و تربیت و آینده آن»، چکیده مقالات همایش مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

علاقه‌بند، علی. (۱۳۷۱)، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران، انتشارات بعثت.

فروتوک‌زاده، حمیدرضا. (۱۳۷۸)، «چالش‌های مدیران در آغاز هزاره سوم»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۰۰، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

فیض‌الاسلام، سید علینقی. (۱۳۷۸)، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه حضرت علی(ع)، تهران، انتشارات فیض‌الاسلام.

قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۸۱)، «اصلاح آموزش و پرورش در مواجهه با آثار به‌منظور پاسخگویی به برنامه‌های توسعه، تغییرات فناوری و تحولات قرن آینده و ایران سال ۱۴۰۰»، چکیده مقالات همایش مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

کاستلز، مانوئل. عصر اطلاعات، ترجمه حسن چاووشیان، (۱۳۸۰)، تهران، نشر نی.  
کرمی پور، محمدرضا. (۱۳۸۲)، «نقش جهانی شدن در مدیریت آموزشی»، رشد تکنولوژی  
آموزشی، شماره ۱۵۰، تهران، وزارت آموزش و پرورش.  
مدنی، داوود. (۱۳۷۰)، مقدمه‌ای بر تئوری‌های سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات دانشگاه  
پیام‌نور.  
مرکز اسناد و مدارک علمی، (۱۳۶۲)، واژه‌نامه آموزش و پرورش، تهران، وزارت علوم تحقیقات  
و فناوری.

WYNNE, JOAN. (2001). Teachers as Leaders in Education Reform, Ericdigest.



وصول: ۸۴/۱۱/۵ پذیرش: ۸۵/۲/۱۳
---------------------------------

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی